

سیاست مالی در راستای کاهش تأثیر اجتماعی قیمت‌های بالای انرژی و مواد غذایی

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

مرداد ۱۴۰۱

۱۸۸



بنام خداوند جان و خرد

سیاست مالی در راستای کاهش تأثیر اجتماعی قیمت‌های بالای انرژی و مواد غذایی

نویسندگان: دیوید آماگلوبلی، امینه هاندار، گی‌هی هونگ و سلین تیونوت

مترجم: آرش گیاهچی

مجموعه رفاه و سیاست اجتماعی - ۱۶



توانمندسازی
حاکمیت و جامعه

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

مرداد ۱۴۰۱

فهرست مطالب

۳.....	چکیده
۵.....	افزایش ناگهانی قیمت انرژی و مواد غذایی و تأثیر اجتماعی آن
۶.....	اثر ملموس کاهش درآمد واقعی ناشی از افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی برای خانوارهای فقیرتر
۸.....	انتقال نسبتاً محدود قیمت‌های بین‌المللی
۱۰.....	محدود کردن انتقال قیمت‌های بالاتر بین‌المللی توسط غالب کشورها
۱۱.....	تلاش‌هایی برای ارائه تسهیلات مستقیم درآمدی به خانوارها
۱۴.....	مدیریت اثرات قیمت بالای انرژی و مواد غذایی
۱۴.....	امکان بخشی به انتقال قیمت
۱۵.....	از آسیب‌پذیرترین اقشار حمایت کنید
۱۸.....	کاهش مالیات بر کالاهای گران شده، صرفاً به عنوان آخرین راه حل
۱۹.....	سه‌می‌بندی را به شکل کارآمدی مدیریت کنید
۱۹.....	تقویت همکاری‌های بین‌المللی
۲۰.....	تسریع در دستورکار آب‌وهوایی



توانمندسازی
حاکمیت و جامعه

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

سیاست مالی در راستای کاهش تأثیر اجتماعی قیمت‌های بالای انرژی و مواد غذایی
نویسندگان: دیوید آماگلوبلی، امینه هاندار، گی هی هونگ و سلین تیونوت

عنوان متن اصلی:

Fiscal Policy for Mitigating the Social Impact of High Energy and Food Prices

By David Amaglobeli ; Emine Hanedar ; Gee Hee Hong ; Celine Thevenot

<https://www.imf.org/-/media/Files/Publications/IMF-Notes/2022/English/INSEA2022001.ashx>

مترجم: آرش گیاهچی

موسسه منتشرکننده: صندوق بین‌المللی پول

سال انتشار متن اصلی: ژوئن ۲۰۲۲ - تاریخ انتشار ترجمه: مرداد ۱۴۰۱

رده موضوعی: مجموعه رفاه و سیاست اجتماعی - ۱۶

کد گزارش: ۱۸۸ - شماره مسلسل: ۱۴۰۱۰۲

چکیده

افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی که در تابستان ۲۰۲۰ آغاز شد، زیان تجاری ای که کشورهای واردکننده متحمل می‌شوند را نشان می‌دهد. این افزایش قیمت، به ویژه برای کشورهای که در سطوح پایین توزیع درآمد قرار دارند، به معنای کاهش درآمد واقعی نیز هست. سیاست مالی نقش مهمی را در کاهش این تأثیر بر آسیب‌پذیرترین خانوارها ایفا می‌کند. دولت‌ها باید با تضمین دسترسی به غذا و انرژی، عادی‌سازی سیاست‌های مالی پس از حمایت بی‌سابقه در سال ۲۰۲۰، و ترویج تحول سبز، در مسیر متعادل سازی این تأثیرات گام بردارند. این توصیه‌ها اگرچه برای هر کشوری منحصر به فرد است، اما دربردارنده اصول کلی برای سیاست‌گذاران نیز هست، از جمله:

برای کشورهایی که دارای چتر حمایت اجتماعی^۱ (SSN) قوی هستند

- انتقال کامل قیمت‌های بالاتر سوخت بین‌المللی به مصرف‌کنندگان داخلی.
- ارائه یارانه‌های نقدی هدفمند و موقت به خانوارهای آسیب‌پذیر.
- اگر برنامه‌های «چتر حمایت اجتماعی» فعلی به قدر کافی خانوارهای تاثیرپذیر طبقه متوسط را پوشش نمی‌دهند، پرداخت‌های نقدی یکباره، تسویه در طول زمان قبوض مصرف انرژی، یا اعمال تخفیف بر این قبوض را در نظر بگیرید.

برای کشورهایی با چتر حمایت اجتماعی ضعیف و بدون یارانه‌های انرژی و غذا

- گسترش برنامه‌های چتر حمایت اجتماعی فعلی، مانند یارانه‌های هدفمند یا حق اولاد، اقدامات اهرمی معرفی شده در خلال کرونا، و بهره‌گیری از قدرت ابزارهای دیجیتال برای شناسایی خانوارهای واجد شرایط و ارائه کمک به آنها.
- کاهش هزینه‌های آموزش، بهداشت یا حمل و نقل عمومی.
- اگر امنیت غذایی یک نگرانی تلقی شود و هیچ گزینه دیگری موجود نباشد، کاهش موقت مالیات یا ارائه یارانه‌های نقدی بر مواد غذایی اصلی با بندهای انقضادر مشخص.
- بهره‌گیری از شتاب در سرمایه‌گذاری برای تقویت سیستم چتر حمایت اجتماعی.

۱ چترهای حمایت اجتماعی برنامه‌هایی با هدف حمایت از خانوارها در برابر فقر هستند و تأمین مالی آن‌ها از طریق درآمدهای عمومی دولت صورت می‌گیرد. (IMF 2019).

کشورهایی با چتر اجتماعی ضعیف و دارای یارانه برای انرژی و مواد غذایی

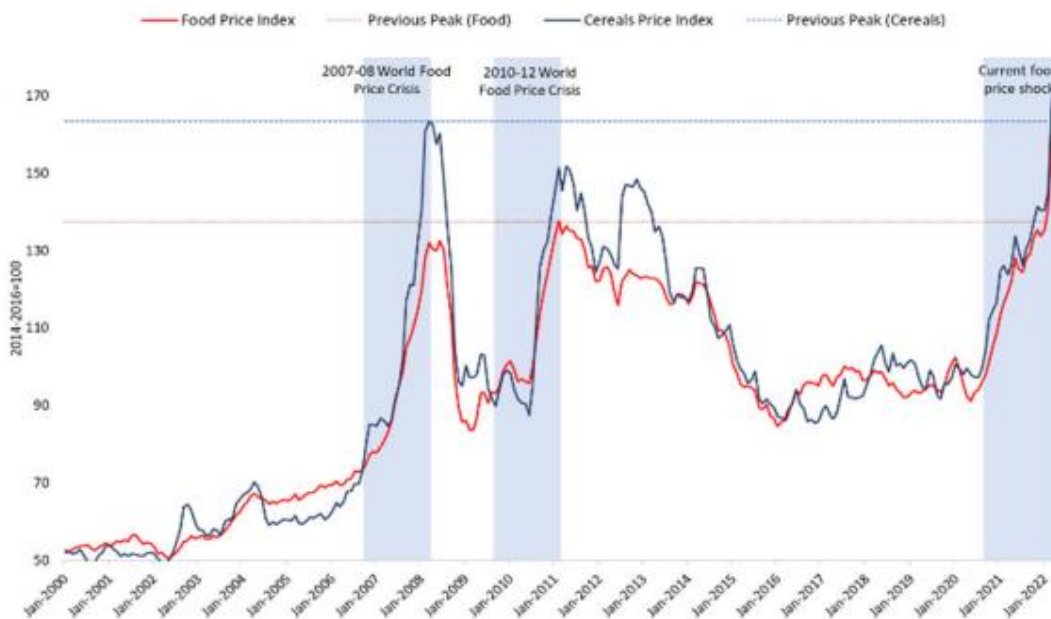
- به تدریج قیمت‌های بالاتر بین‌المللی را بر قیمت‌های خرده‌فروشی تحمیل کنید و در میان مدت متعهد به حذف یارانه‌ها باشید.
- با در نظر گرفتن شکاف میان قیمت‌های خرده‌فروشی و بین‌المللی، فضای مالی موجود، و توانایی اعمال اقدامات کاهش‌دهنده، افزایش قیمت‌ها را با دقت کالیبره کنید.
 - سوخت: در نظر گرفتن مسیرهای متفاوت تعدیل قیمت‌های داخلی بر مبنای نوع سوخت و بر اساس وزن نسبی آن‌ها در مصرف گروه‌های مختلف درآمدی.
 - خدمات آب و برق: قیمت‌ها را به تدریج مطابق با تغییر هزینه‌ها تنظیم کنید و در عین حال تخفیف‌های یکسانی را بر روی پرداخت‌های آبی قبوض اعمال کنید و برای آن‌ها تسویه مدت‌دار در نظر بگیرید.
 - غذا: اگر برنامه یارانه غذایی وجود دارد، قیمت مواد غذایی سهمیه‌بندی شده را به تدریج افزایش دهید. بهبود هدف‌گذاری و کاهش نشت یارانه‌ها به گروه‌های با درآمد بالاتر را مد نظر قرار دهید.

افزایش ناگهانی قیمت انرژی و مواد غذایی و تأثیر اجتماعی آن

افزایش مداوم قیمت انرژی و مواد غذایی فراگیر و ماندگار است. شاخص قیمت مواد غذایی که توسط سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) تدوین شده است و ترکیبی از پنج شاخص قیمت گروه کالایی است، در مارس ۲۰۲۲ به بالاترین حد خود رسیده‌اند (شکل ۱). قیمت غلات، گوشت و روغن به شکل بی‌سابقه‌ای در اوج خود قرار دارد. در خصوص انرژی، با وجود آنکه قیمت‌های فعلی نفت بی‌سابقه نیستند، اما قیمت گاز طبیعی به‌ویژه در اروپا در بالاترین سطح خود قرار دارد (شکل ۲). از تابستان ۲۰۲۰ قیمت کالاها روندی افزایشی داشتند، اما با حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ این روند تشدید شده است. روسیه حدود ۱۰ درصد از کل صادرات نفت در سطح جهان و تامین حدود ۴۵ درصد از کل واردات گاز اتحادیه اروپا را به خود اختصاص داده است. روسیه و اوکراین روی هم‌رفته حدود ۲۵ درصد از صادرات جهانی گندم، حدود ۱۵ درصد از صادرات جهانی ذرت و حدود ۷۵ درصد از صادرات جهانی روغن آفتابگردان را در اختیار دارند. افزایش قیمت نهاده‌های تولیدی (مانند سوخت و کود) و هزینه‌های حمل و نقل، فشار بیشتری را نیز بر قیمت مواد غذایی وارد می‌کنند. این چالش‌ها برای سیاست‌گذاران تازگی ندارند، چرا که این سومین شوک جهانی قیمت کالاها در ۲۰ سال گذشته است. با این حال، محیط اقتصاد کلان ممکن است اکنون، برای شوک فعلی پر چالش‌تر از دوره‌های قبلی باشد.

شکل ۱. قیمت‌های بین‌المللی مواد غذایی

(شاخص، ۱۰۰ = ۲۰۱۶-۲۰۱۴؛ ژانویه ۲۰۰۰ تا آوریل ۲۰۲۲)

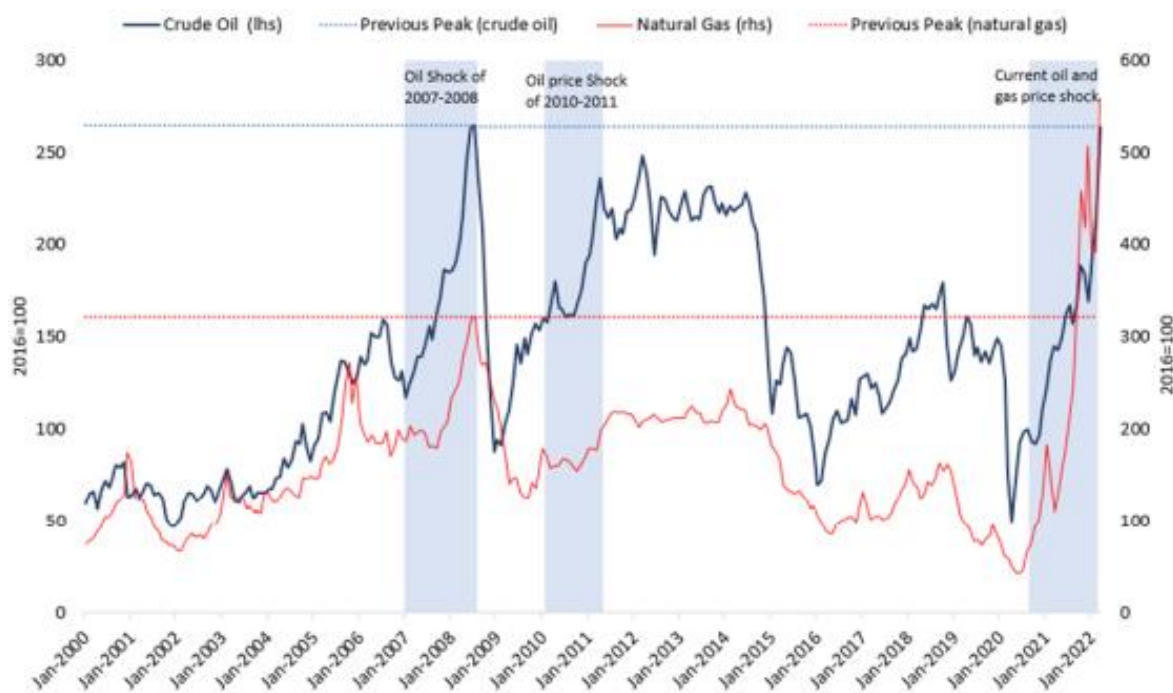


منبع: سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد.

توجه: شاخص قیمت مواد غذایی ۲۰۱۶-۲۰۱۴ = ۱۰۰، میانگین وزنی گوشت، لبنیات، غلات، سبزیجات، روغن‌ها و شکر. شاخص قیمت غلات ۲۰۱۶-۲۰۱۴ = ۱۰۰، میانگین وزنی شاخص‌های قیمت برای ذرت گندم، جو، سورگوم و برنج.

شکل ۲. قیمت‌های بین‌المللی نفت و گاز

(شاخص ۲۰۱۶=۱۰۰؛ ژانویه ۲۰۰۰ تا مارس ۲۰۲۲)



منبع: قیمت کالاهای اولیه صندوق بین‌المللی پول

توجه: شاخص قیمت نفت خام (نفت) در سال ۲۰۱۶ = ۱۰۰، میانگین ساده سه قیمت نقطه‌ای؛ برنت، وست تگزاس اینترمدیت، و فاتح دبی. شاخص قیمت گاز طبیعی در سال ۲۰۱۶ = ۱۰۰، که شامل شاخص‌های قیمت گاز طبیعی آمریکا، اروپا و ژاپن است.

اثر ملموس کاهش درآمد ناشی از افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی برای خانوارهای فقیرتر

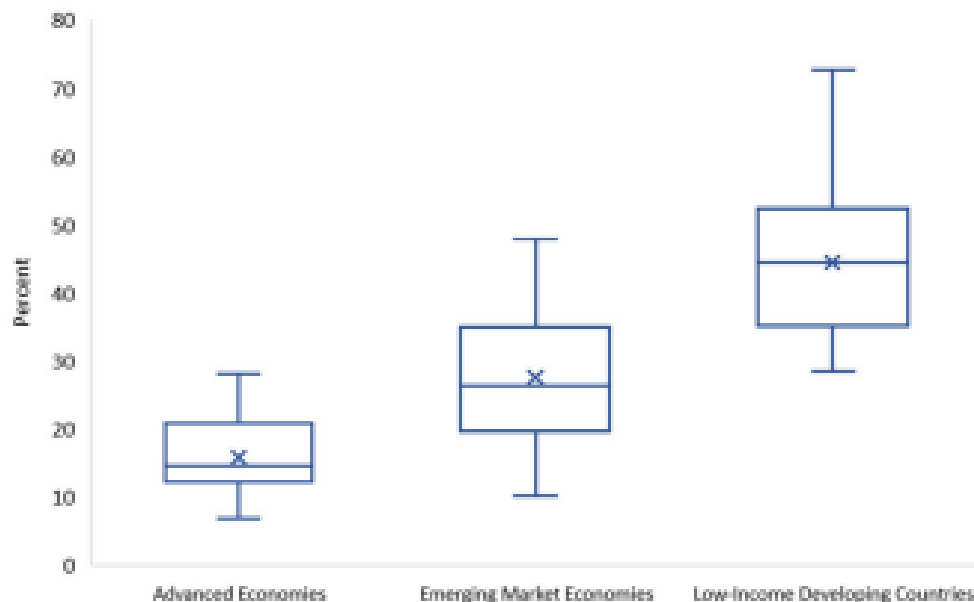
برای خانوارهای فقیرتر، کاهش درآمد واقعی ناشی از افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی بارزتر است. غذا، سهم قابل توجهی از سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد را نسبت به خانوارهای پردرآمد به خود اختصاص می‌دهد. برای یک خانوار متوسط در یک کشور کم‌درآمد، مخارج غذایی می‌تواند تا ۴۴ درصد از سبد مصرفی را به خود اختصاص دهند، (در مقایسه صورت گرفته در شکل ۳، این میزان در اقتصادهای بازارهای نوظهور ۲۸ درصد و در اقتصادهای پیشرفته ۱۶ درصد است)، از این رو سهم غذا در ایجاد تورم، به شکل ویژه‌ای در این کشورها بالا است (شکل ۴). برای مثال در کشوری همچون ایالات متحده، ۲۷ درصد از هزینه‌های خانوارهای متعلق به فقیرترین پنجم درآمدی صرف غذا می‌شوند، در حالی که این هزینه‌ها در میان ثروتمندترین پنجم درآمدی، ۷ درصد است^۱. در حالی که در سال ۲۰۲۰ حدود ۸۰۰ میلیون نفر (۱۰ درصد از جمعیت جهان) دچار سوءتغذیه بوده‌اند، افزایش قیمت مواد غذایی بر بسیاری از

1 (USDA, Bureau of Labor Statistics)

خانوارهایی که از پیش در اثر همه‌گیری کووید ۱۹ آسیب‌پذیر شده بودند، فشار بیشتری را وارد می‌آورد^۱. به طور میانگین، سهم انرژی در سبد مصرفی خانوارهای با درآمد بالا بیشتر است. ترکیب سبد انرژی، بر حسب نوع محصول و منطقه مورد نظر، متفاوت است^۲. با این حال، افزایش شدید قیمت‌ها می‌تواند خانوارهای کم درآمد را، به دلیل اثرات قیمتی دور دوم و توانایی محدودتر برای مقابله با شوک‌ها، تحت تأثیر قرار دهد.

شکل ۳. سهم مواد غذایی در سبد مصرف

(بر حسب درصد سبد شاخص قیمت مصرف‌کننده)



منبع: پایگاه داده تورم قیمت مصرف‌کننده صندوق بین‌المللی پول.

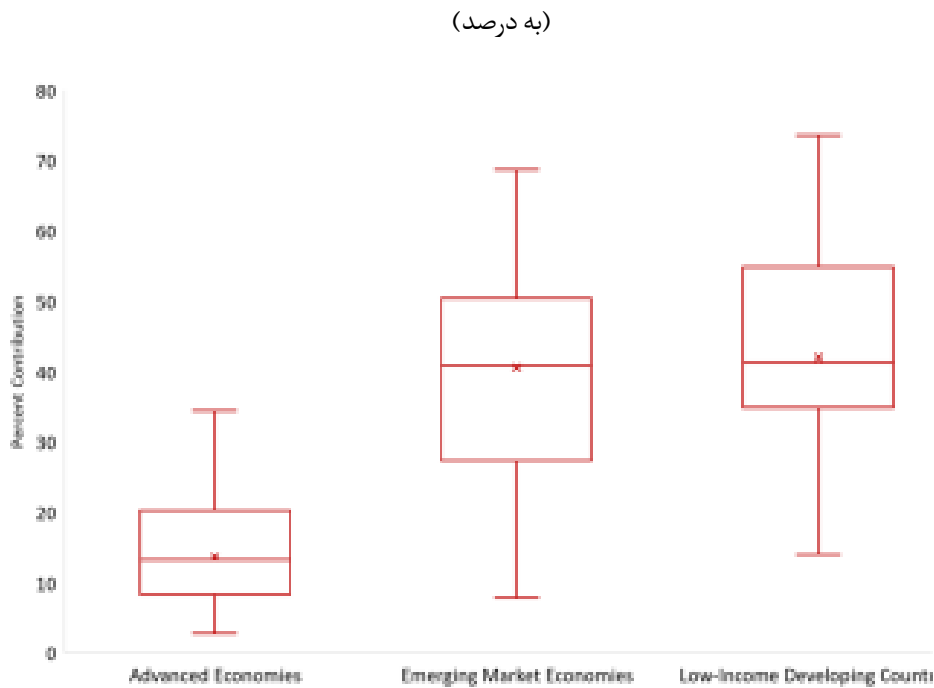
توجه: سهم مواد غذایی و آشامیدنی‌های غیرالکلی در CPI. نمادهای "x" و "-" به ترتیب میانگین و میانه را در هر گروه نشان می‌دهند. جعبه‌ها صدک‌های ۲۵ تا ۷۵ را نشان می‌دهند و خط‌ها حداقل و حداکثر میزان را نشان می‌دهند. CPI = شاخص قیمت مصرف‌کننده.

1 (FAO and others 2021)

2 (Coady and others 2015)

۳ به عنوان مثال، در کشورهای در حال توسعه، نفت سفید عمدتاً مورد استفاده خانوارهای کم درآمد قرار می‌گیرد، در حالی که بنزین توسط خانوارهای با درآمد بالا استفاده می‌شود.

شکل ۴. سهم غذا در تورم در سال ۲۰۲۲



منبع: پایگاه داده تورم قیمت مصرف‌کننده صندوق بین‌المللی پول.

توجه: به شکل نسبی از سهم غذا به تورم CPI محاسبه شده است. نمادهای "x" و "-" به ترتیب میانگین و میانه را در هر گروه نشان می‌دهند. جعبه‌ها صدک‌های ۲۵ تا ۷۵ را نشان می‌دهند و خط‌ها حداقل و حداکثر میزان را نشان می‌دهند.

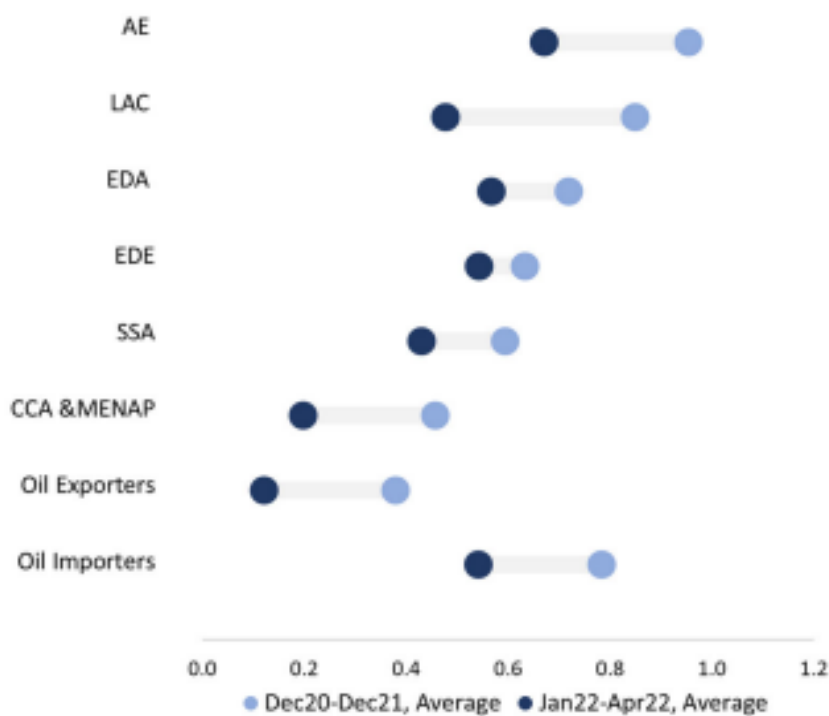
انتقال نسبتاً محدود قیمت‌های بین‌المللی

تغییرات واقعی در قیمت‌های خرده‌فروشی نشان می‌دهند که تاکنون در اکثر کشورها انتقال قیمت‌های بین‌المللی نسبتاً محدود بوده است^۱. به طور متوسط، انتقال قیمت‌های بین‌المللی بر خرده‌فروشی‌ها، در خصوص محصولات سوخت اصلی (گازوئیل)، در اقتصادهای پیشرفته بالاترین میزان و در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه کمترین میزان را داشته است. کاهش ضریب انتقال در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه، به ویژه در خاورمیانه، شمال آفریقا، و آفریقای جنوب صحرا، با رایج بودن یارانه‌های نقدی در این مناطق قابل توجیه است. در چهار ماه اول سال ۲۰۲۲، انتقال [قیمت] گازوئیل برای تمام گروه‌های درآمدی کشور، به طور متوسط، در مقایسه با سال گذشته که

۱ انتقال قیمت (Pass-through) عنوان تغییری در قیمت‌های خرده‌فروشی سوخت است که با تقسیم تغییر در قیمت سوخت بین‌المللی بر مدت مشابه با لحاظ تاخیر ماهانه، هر دو به دلار آمریکا در هر لیتر محاسبه می‌شود. قیمت‌های خرده‌فروشی داخلی از پایگاه جهانی قیمت بنزین به دست آمده است. هزینه عرضه از آژانس بین‌المللی انرژی به دست آمده است. بسته به منطقه هر کشور، سه قیمت بین‌المللی متفاوت برای نفت مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای تمام کشورها هزینه حمل‌ونقل معادل ۰/۱۰ دلار در هر لیتر به قیمت نفت افزوده می‌شود و مارجین اضافی معادل ۰/۱۰ دلار در هر لیتر، به هزینه کشورهای واردکننده نفت افزوده می‌شود.

قیمت‌های بین‌المللی در آن هنگام نیز در حال افزایش بودند، کمتر بوده است (شکل ۵). حتی اقتصادهای پیشرفته با قیمت‌های آزاد شده نیز، قیمت‌های خرده‌فروشی را به اندازه سال گذشته افزایش نداده‌اند. این ضریب انتقال کمتر، مبین آن است که بحران فعلی افزایش قیمت انرژی پیامدهای مالی نامطلوبی در تمام مناطق، به ویژه آن طور که انتظار می‌رود در خاورمیانه، شمال آفریقا و آفریقای زیر صحرای، خواهد داشت. انتقال کمتر قیمت‌ها، بر اقتصادهای کم‌درآمد که فضای مالی محدودی دارند فشار بیشتری را وارد خواهد کرد. از سوی دیگر کشورهای صادرکننده نفت شاهد افزایش درآمدهای نفتی خواهند بود. انتقال قیمت بین‌المللی مواد غذایی به بازارهای داخلی معمولاً کمتر از کالاهای غیرکشاورزی است. به‌طور کلی میزان انتقال قیمت گندم، ذرت و برنج در آفریقا، آسیا و اقیانوسیه کمتر و در اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی بیشتر است.^۱

شکل ۵. تخمین انتقال قیمت سوخت



منبع: محاسبات کارکنان صندوق بین‌المللی پول براساس پایگاه داده قیمت جهانی بنزین و آژانس بین‌المللی انرژی.

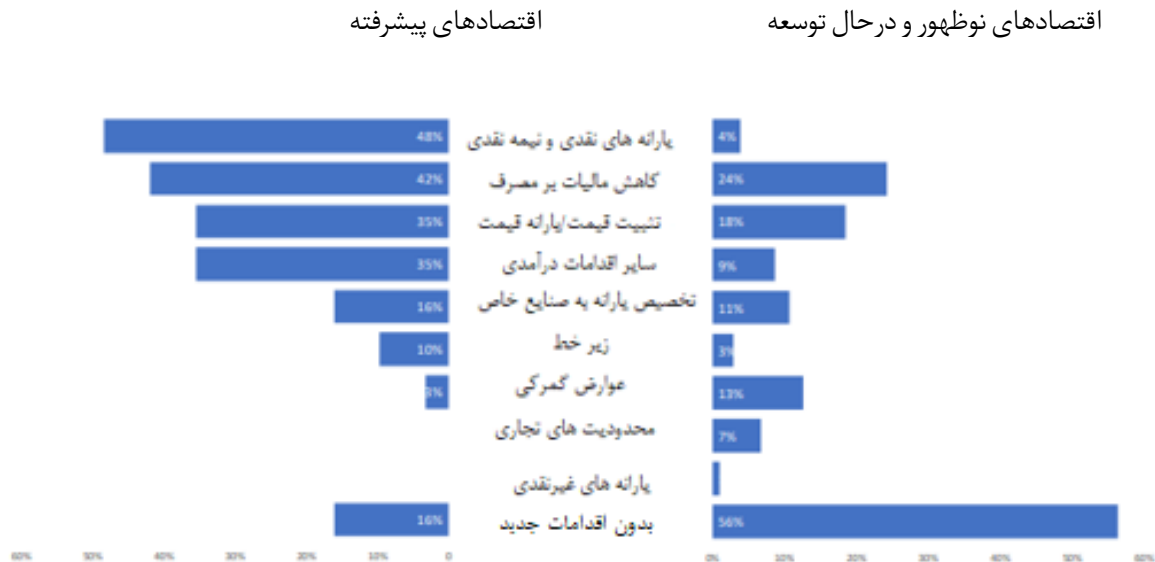
توجه: AE = اقتصاد پیشرفته؛ CCA = قفقاز و آسیای مرکزی؛ EDA = آسیای نوظهور و در حال توسعه. EDE = اروپای نوظهور و در حال توسعه. LAC = آمریکای لاتین و کارائیب. MENAP = خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان؛ SSA = جنوب صحرای آفریقا

محدود کردن انتقال قیمت‌های بالاتر بین‌المللی توسط غالب کشورها

پایش اخیر صندوق بین‌المللی پول تأیید می‌کند که بیشتر کشورها انتقال قیمت‌های بالاتر بین‌المللی به مصرف‌کنندگان داخلی را محدود کرده‌اند^۱. اکثر کشورهای پایش شده، دستکم یک اقدام را از ابتدای سال انجام داده‌اند (۲۶ کشور از ۳۱ کشوری که دارای اقتصاد پیشرفته هستند و ۴۵ کشور از ۱۰۳ کشور دارای اقتصاد نوظهور و در حال توسعه). اقدامات کمتر از سوی اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه احتمالاً بیانگر تداوم اتکای آن کشورها به یارانه‌های انرژی و مواد غذایی موجود است، در حالی که این امر، تعدیل قیمت‌های داخلی را محدود می‌سازد و فضای مالی کمتر و توانایی پایین‌تری را برای افزایش سریع تعداد چترهای حمایت اجتماعی به ارمغان می‌آورد. در اقتصادهای پیشرفته، تخصیص یارانه‌های نقدی و نیمه نقدی (شامل کوپن‌ها و تخفیف قبوض آب و برق) توسط بیشتر کشورها (در حدود نیمی از تمامی کشورها) به اجرا درآمد، در حالی که اغلب اقدامات دیگر از جمله کاهش مالیات بر ارزش افزوده (برای مثال در بلژیک و ایتالیا) و کاهش مالیات غیرمستقیم (برای مثال در فرانسه، کره، و نیوزیلند) با هدف کاهش قیمت‌ها به اجرا درآمدند (شکل ۶). در اسلوانی برای قیمت سوخت سقف تعیین شد و فرانسه برای کاهش قیمت بنزین به توزیع‌کنندگان، یارانه اعطا کرد. استونی، لوکزامبورگ و جمهوری اسلواکی اقداماتی را برای کاهش قیمت برق به اجرا درآوردند. در اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه، بیشترین اقدامات انجام شده شامل کاهش مالیات بر ارزش افزوده و عوارض بودند (در ۲۴ درصد از کل اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه). این اقدام شامل لهستان و ترکیه نیز می‌شد که هر کدام کاهش نرخ مالیات بر ارزش افزوده مواد غذایی و/یا انرژی را به اجرا درآوردند و همچنین ساحل عاج، صربستان و تایلند، که هر کدام کاهش موقت یا معافیت مالیات غیرمستقیم را در دستورکار قرار دادند. برخی از اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه (مانند برزیل، عراق، ترکیه) به کاهش یا تعلیق موقت عوارض واردات متوسل شدند. در نهایت، حدود ۵۵ درصد از تمام اقدامات اعلام شده صرف کاهش اثرات افزایش قیمت انرژی و ۳۰ درصد صرف کاهش اثرات افزایش قیمت مواد غذایی شدند، و تلاش برای اقدامات باقی مانده به طور محدود تعریف نشده‌اند.

۱ اقدامات دولت شامل اقدامات مالی (درآمدی و هزینه‌ای)، اقدامات به اصطلاح زیر خط، که برای دولت بار مالی ندارد (مثل وام) و اقدامات غیرمالی، مانند ایجاد محدودیت‌های تجاری می‌شوند.

شکل ۶. اقدامات اخیر صورت گرفته در واکنش به قیمت‌های بالای انرژی و مواد غذایی



درصد هر اقدامی که کشورها اعلام کردند

درصد هر اقدامی که کشورها اعلام کردند

منبع: محاسبات صندوق بین‌المللی پول براساس پایش صورت گرفته از طرف این صندوق در مارس ۲۰۲۲ بر روی ۱۳۴ کشور (۳۱ اقتصاد پیشرفته و ۱۰۳ اقتصاد نوظهور و در حال توسعه) درباره اقدامات دولت‌ها در واکنش به افزایش قیمت مواد غذایی و کالاها از شروع سال ۲۰۲۲.

توجه: «بدون اقدام جدید» به کشورهایی ارجاع دارد که به پایش پاسخ داده‌اند و هیچ اقدامی نداشته‌اند.

شامل یارانه نقدی و نیمه نقدی مانند کوپن و تخفیف قبض آب و برق

شامل مالیات بر ارزش افزوده و مالیات غیر مستقیم

شامل تغییرات مالیات بر درآمد و سایر اقدامات درآمدی

تلاش‌هایی برای ارائه تسهیلات مستقیم درآمدی به خانوارها

اقدامات صورت گرفته همچنین شامل تلاش‌هایی برای ارائه تسهیلات مستقیم درآمدی به خانوارها بودند. برخی از کشورها اقداماتی را در راستای کاهش مالیات بر درآمد را به اجرا درآوردند. برای مثال لیتوانی اعلام کرد که آستانه درآمد معاف از مالیات را افزایش خواهد داد. اقدامات مرتبط با بخش مخارج، شامل یارانه‌های صنایع/تجارت‌های خاص (انرژی و غذا)، کوپن‌ها و تخفیف قبوض آب و برق و یارانه‌های نقدی برای حمایت از خانوارها می‌شدند. تعداد کمی از کشورها پرداخت یارانه‌های نقدی موقت و هدفمند را در دستورکار قرار داده‌اند، که حدود سه چهارم کل این برنامه‌های یارانه نقدی در اقتصادهای پیشرفته به اجرا درآمده‌اند. به عنوان مثال، لتونی حمایت ماهانه‌ای برای سالمندان و افراد دارای معلولیت (۲۰ یورو) و برای خانواده‌های دارای فرزند (۵۰ یورو) در نظر گرفت.

آلمان از تک‌پرداخت به خانواده‌ها به مبلغ ۱۰۰ یورو در ازای هر فرزند، و همچنین از تک‌پرداخت اضافی به دریافت‌کنندگان کمک‌های اجتماعی خبر داد. فیلیپین از آوریل ۲۰۲۲ به مدت شش ماه، یارانه نقدی بدون قید و شرطی به مبلغ ۵۰۰ پزو به خانوارهای ۵۰ درصد پایینی جامعه (که حدود ۱۲ میلیون خانواده هستند) پرداخت می‌کند. لهستان برای جبران افزایش قیمت انرژی، مزایایی بر مبنای آزمون وسع برای خانوارهای فقیر (از ۴۰۰ تا ۱۴۳۸ زلوتی برای هر خانوار) در نظر گرفت. سایر اقدامات شامل محدودیت‌های تجاری و برخی اقدامات غیرمترقبه هزینه‌ای، مانند پرداخت وام به شرکت‌های انرژی و کشاورزی بودند.

کاهش قیمت‌های انرژی و مواد غذایی رایج‌ترین واکنش‌ها به افزایش قیمت کالاها در دوره‌های قبل بود، در حالی که بسیاری از کشورها به تعدیل تعرفه‌های واردات نیز متوسل شده بودند. در خلال سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ مالیات بر مواد غذایی در بیش از ۸۰ کشور کاهش یافت، که این امر در بیشتر موارد از طریق کاهش عوارض واردات به جای کاهش مالیات بر ارزش افزوده یا کاهش سایر مالیات‌های مصرفی صورت گرفت.^۱ از نقطه نظر هزینه‌های مالی، اقدامات مرتبط با سوخت، اغلب فشارهای مالی بیشتری در مقایسه با اقدامات مرتبط با غذا ایجاد می‌کنند، از این رو بسیاری از کشورها تمایلی به انتقال افزایش قیمت‌ها (به‌ویژه در رابطه با محصولات بخش انرژی) نداشتند.^۲

اقدامات مختلف صورت گرفته به منظور تضمین دسترسی مقرون به صرفه به انرژی، ممکن است در کوتاه مدت چالش‌هایی را برای گذار سبز ایجاد نماید. این موارد شامل اقداماتی می‌شوند که مالیات مصرف محصولات بخش انرژی را کاهش می‌دهند. علاوه بر این، برخی اقدامات می‌توانند افزایش تولید و مصرف انرژی کربن فشرده را تشویق کنند. چنین اقداماتی افزایش تولید زغال سنگ در داخل به منظور کاهش وابستگی به زغال سنگ وارداتی (به عنوان مثال در چین) یا تداوم مصرف خانگی بریکت زغال سنگ از طریق یارانه قیمت (به عنوان مثال در مغولستان) را شامل می‌شوند. در مقابل، برخی از کشورها (مانند سوئد) با هدف حفظ مشوق‌های گذار سبز، اقداماتی نظیر تخصیص بودجه اضافی برای وسایل نقلیه سازگار با محیط‌زیست را تحت عنوان «پاداش اقلیمی» و کشورهای (مانند لوکزامبورگ و نروژ) ابتکاراتی در جهت بهره‌وری انرژی را در دستورکار قرار دادند.

1 (IMF 2008a and 2008b)

2 (IMF 2008a, 2008b, and 2011)

۳ بر اساس پایش صورت گرفته از ۱۵۹ کشور در خصوص افزایش قیمت کالاها، میانگین هزینه‌های مالی گزارش شده به ترتیب ۱/۴ درصد و ۰/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی برای اقدامات مربوط به سوخت و مواد غذایی است (صندوق بین‌المللی پول ۲۰۰۸a). پایش دیگری که در سال ۲۰۱۱ بر روی ۷۱ کشور کم درآمد در مورد اقدامات انجام شده در واکنش به افزایش قیمت کالاها انجام شد، نشان داد که تأثیر بودجه متوسط اقدامات، در واکنش به افزایش قیمت سوخت، ۱/۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی بود، در حالی که این مقدار در مقایسه با اقدامات واکنشی به قیمت‌های بالاتر مواد غذایی، کمتر از ۰/۵ درصد تولید ناخالص داخلی بود. (صندوق بین‌المللی پول ۲۰۱۱)

ملاحظات سیاسی می‌تواند واکنش‌های سیاستی صورت گرفته برای محدود کردن انتقال قیمت یا حفظ یارانه‌های نقدی را توجیه کنند. ناآرامی اجتماعی بر سر افزایش قیمت انرژی و کالاهای اساسی اتفاق جدیدی نیست^۱ و در سال‌های اخیر اغلب شاهد اعتراضاتی نسبت به افزایش (برنامه‌ریزی شده) قیمت سوخت بوده‌ایم (به عنوان مثال در اکوادور، فرانسه، هائیتی و قزاقستان). چنین اعتراضاتی می‌توانند نارضایتی گسترده‌ای را نسبت به سیاست‌های دولت ایجاد نمایند. شرایطی نظیر فقر شدید، نابرابری، و چرخه انتخاباتی، ممکن است خطر ناآرامی‌های اجتماعی را افزایش دهند.^۲ وجود ادراک عمیقی در زمینه فساد ممکن است منجر به مقاومت در برابر حذف یارانه‌های قیمتی شود، چراکه این یارانه‌ها به عنوان یکی از معدود مزایای ملموس ارائه شده توسط دولت تلقی می‌شوند و از طرف دیگر اعتمادی به دولت‌ها در خصوص تخصیص مجدد پس‌اندازهای بودجه‌ای به نفع مردم وجود ندارد.^۳ در نهایت، وجود گروه‌های ذینفع قوی و سازمان‌یافته (نه لزوماً مردم آسیب‌پذیر) که از قیمت‌های پایین‌تر یا وضعیت موجود سود می‌برند، می‌تواند به ناآرامی‌های اجتماعی دامن بزند. از آنجایی که این چالش‌ها و ملاحظات سیاسی در مسیر توسعه چترهای حمایت اجتماعی ممکن است منجر به اقداماتی گردند که محدود کننده انتقال قیمت‌ها باشند، چنین مداخلاتی پرهزینه و ارتجاعی هستند و نمی‌توانند واکنش پایداری به یک شوک مستمر تلقی شوند. بنابراین، لازم است به اقدامات متعددی که اخیراً برای محدود کردن انتقال قیمت اتخاذ شده‌اند (نظیر کاهش مالیات) خاتمه دهیم، تا بدین ترتیب از ریشه‌دار شدن آن‌ها جلوگیری شود. داشتن یک استراتژی جامع در زمینه آگاه‌سازی برای مقابله با مقاومت‌های ریشه‌ای بسیار حیاتی است.

1 Morrisson (1996)

2 Alesina and others (2019)

3 Strand (2013)

مدیریت اثرات قیمت بالای انرژی و مواد غذایی

با توجه به بزرگی شوک وارده به درآمدهای واقعی خانوارها، ممکن است اتخاذ یک واکنش سیاستی ضروری باشد و این واکنش باید بر اساس یک ارزیابی دقیق از بده‌بستان‌های مالی و رفاهی صورت گیرد. واکنش مناسب سیاستی باید شرایط خاص کشور را در نظر بگیرد، اما برخی ملاحظات کلی هستند که برای تمامی کشورها صدق می‌کنند. توان چترهای حمایت اجتماعی باید به عنوان کلیدی در توسعه واکنش‌های سیاستی ملاحظه شوند. چترهای حمایت اجتماعی قوی می‌توانند تاب‌آوری خانوارها را در برابر شوک افزایش دهند و از آن‌ها در برابر سقوط (عمیق‌تر) در فقر محافظت کنند. کشورهایی که دارای چترهای حمایت اجتماعی قوی هستند باید بتوانند از خانوارهای فقیر و آسیب‌پذیر محافظت کنند، در حالی که کشورهای دارای چترهای حمایت اجتماعی ضعیف‌تر، معمولاً در دسترسی به موقوع به خانوارهای آسیب‌پذیر با مشکل مواجه می‌شوند.^۱ ملاحظات دیگر شامل در دسترس بودن فضای مالی و تهدید در زمینه ناامنی غذایی و انرژی است.

امکان بخشی به انتقال قیمت

هدف کشورها باید این باشد که اجازه دهند قیمت‌های داخلی دنباله‌رو قیمت‌های بین‌المللی باشند. سیگنال‌های قیمت برای تحریک واکنش‌های تقاضا بسیار مهم هستند. در زمینه انرژی، واکنش تقاضا می‌تواند قابل توجه باشد. کشش قیمتی کوتاه‌مدت تقاضا در پژوهش‌های تجربی $0/2-$ تخمین زده شده است، که بالاترین کشش قیمتی ($0/29-$) به بنزین اختصاص دارد و پس از آن گاز طبیعی ($0/18-$) و گازوئیل ($0/15-$) قرار دارند.^۲ کشش‌های قیمتی بلندمدت تقاضا حتی بیشتر نیز هستند. در مقابل، غذا یک کالای اساسی است که بخش بیشتری از درآمد افراد فقیر را به خود اختصاص می‌دهد و ممکن است کشش قیمت کمتری داشته باشد. بنابراین، اطمینان از دسترسی مقرون به صرفه به مواد اولیه اساسی، به‌ویژه در مواقعی که امنیت غذایی یک نگرانی است، باید در اولویت قرار گیرد. قیمت‌های بالاتر انرژی باید به استفاده کارآمدتر از انرژی و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر منجر شوند، در حالی که قیمت‌های بالاتر مواد غذایی باید به تولیدات کشاورزی بیشتر منجر شوند. اقدامات صورت گرفته با هدف جلوگیری از تعدیل قیمت‌های داخلی پرهزینه هستند، از مخارج مولد جلوگیری می‌کنند و انگیزه‌های تولیدکننده را کاهش می‌دهند. افزون بر این، می‌توان اقدامات مناسبی را برای حمایت از خانوارهای آسیب‌پذیر طراحی کرد.

۱ بانک جهانی (در سال ۲۰۱۸) یک نمای کلی کارآمد از چترهای حمایت اجتماعی ارائه می‌دهد.

2 Labandeira and others (2017)

۳ کشش قیمتی تقاضا به عنوان درصد تغییر تقاضای انرژی، در اثر تغییر ۱ درصدی قیمت آن تعریف می‌شود.

از آسیب‌پذیرترین اقشار حمایت کنید

توانایی کشورها برای حمایت موثر از خانوارهای آسیب‌پذیر در برابر شوک‌های قیمت انرژی و مواد غذایی به قدرت چترهای حمایت اجتماعی آن‌ها بستگی دارد. چترهای قوی حمایت اجتماعی شناسایی خانوارهای واجد شرایط را، به منظور هدف‌گیری بهتر و ارائه کارآمدتر کمک‌ها، ممکن می‌سازند. چترهای قوی حمایت اجتماعی که به عنوان مجموعه مزایایی با بروز کافی^۱، انتشار خوب و پوشش‌دهی بالای افراد فقیر تعریف می‌شوند، در کاهش فقر موثر هستند و از زیرساخت مناسبی برای افزایش حجم یارانه‌ها در واکنش به شوک‌ها برخوردارند. مقیاس‌پذیری چترهای حمایت اجتماعی به چنین عواملی بستگی دارد: (۱) دسترس‌پذیری سیستم‌های اطلاعاتی قوی، از قبیل شناسایی دقیق و جامع که به شکلی کارآمد با پایگاه‌های اطلاعات اجتماعی-اقتصادی (مانند ویژگی‌های خانوار، اشتغال و درآمد) مرتبط باشد؛ (۲) ظرفیت پیاده‌سازی مناسب این چترها که قادر باشد مزایا را به ذینفعان مورد نظر به شیوه‌ای قابل اعتماد و به موقع ارائه کند؛ و (۳) چارچوب‌های مالی قوی میان‌مدت که تضمین‌کننده تأمین مالی انعطاف‌پذیر و پایدار باشند.

کشورهایی که چترهای حمایت اجتماعی قوی دارند، می‌توانند برای کاهش تأثیر بر گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر از یارانه‌های نقدی هدفمند و موقت استفاده کنند. یارانه‌های مستقل از مصرف انرژی یا غذا ارجحیت دارند، زیرا قیمت‌های نسبی را مخدوش نمی‌کنند. همچنین برای کمک به خانوارهای آسیب‌پذیر می‌توان از سیستم‌های مالیاتی (به عنوان مثال بهره‌گیری از اعتبارات مالیاتی قابل استرداد) استفاده کرد.^۲ در رابطه با قیمت انرژی، چنانچه امکان افزایش فوری برنامه‌های چترهای حمایت اجتماعی وجود نداشته باشد، می‌توان اقدامات موقت دیگری که متکی به ارائه‌دهندگان خدمات شهری هستند را در نظر گرفت. به عنوان مثال، دولت‌ها با ترکیب اطلاعات درآمد خانوار با اطلاعات قبوض خدمات شهری، می‌توانند برای افرادی که زیر یک آستانه درآمدی مشخص قرار دارند، تخفیف‌های مقطوع ارائه کنند. چنین مزایای مقطوعی بر مزایای متناسب با قبوض خدمات شهری ترجیح داده می‌شوند، زیرا مزایای مقطوع پیشرفته‌تر و کمتر مخرب هستند. علاوه بر این، تسویه مدت‌دار قبوض مصرف انرژی نیز می‌تواند مد نظر قرار گیرد. اگرچه کمک‌های فوری باید موقت باشند (محدود به زمان)، اما باید با شاخص‌گذاری مزایای مرتبط با تورم، حمایت مداوم‌تری از طریق چترهای حمایت اجتماعی موجود ارائه شود.

کشورهایی که چترهای حمایت اجتماعی به اندازه کافی قدرتمندی برای ارائه کمک به اقشار آسیب‌پذیر ندارند، می‌توانند برنامه‌های موجود را بسط و گسترش دهند. در صورت امکان، کارآمدترین برنامه‌های موجود چترهای حمایت اجتماعی (مانند برنامه‌های تغذیه مدارس) می‌توانند گسترش یابند تا با افزایش سطح مزایا و پوشش‌دهی (در صورت نیاز)، به خانوارهای کم‌درآمد و آسیب‌پذیر کمک شود. می‌توان برای هدف‌گیری خانوارها از روش‌های جایگزین،

۱ بروز مزایا عبارت است از سهم یارانه‌های دریافتی توسط افراد فقیر به عنوان درصدی از کل یارانه‌ها (بانک جهانی ۲۰۱۸).

۲ بیشتر مربوط به اقتصادهای پیشرفته است.

نظیر آزمون‌های جغرافیایی، مقوله‌ای، خود انتخاب‌گری، آزمون‌های مبتنی بر جامعه، یا آزمون تقریب وسع استفاده کرد. اقدامات موقتی، مانند اقداماتی که در واکنش به کوید-۱۹ طرح شده‌اند، می‌توانند مدنظر قرار گیرند.^۱ در این راستا ابزارهای دیجیتال می‌توانند بسیار مورد استفاده قرار گیرند، برای مثال می‌توان برای پذیرش و ثبت‌نام دینفعان، از برنامه‌های کاربردی آنلاینی که با اطلاعات برآمده از منابع غیر استاندارد در خصوص شرایط فردی کار می‌کنند (مانند ابر داده‌های مخابراتی)، کمک گرفت. مزایای آن می‌تواند از طریق پلتفرم‌های پرداخت سیار «دولت به شخص» (G2P) ارائه کرد. در طول همه‌گیری کوید-۱۹، برخی از دولت‌ها (مانند برزیل و تایلند) فرآیندهای ثبت‌نام را از طریق وبسایت‌های اختصاصی انجام دادند. در توگو، دولت با کمک شناسه‌های بیومتریک رأی‌دهندگان و داده‌های سوابق ماهواره‌ای و تلفنی توانست به سرعت افراد آسیب‌پذیر را شناسایی و ثبت‌نام کند. یارانه‌های نقدی از طریق یک پلتفرم دیجیتال «دولت به شخص» پرداخت می‌شدند. نیجریه از روش هدف‌گیری جدیدی که مبتنی بر داده‌های سرشماری و تصاویر ماهواره‌ای با وضوح بالا است، استفاده کرد تا فقیرترین مناطق شهری و نیازمند دریافت مزایای را شناسایی کند. با این حال، این رویکردهای مبتنی بر فناوری می‌توانند منجر به محرومیت خانوارهای کم‌درآمدی شوند که ممکن است به ابزارهای دیجیتال دسترسی نداشته باشند و/یا دسترسی به آن‌ها از طریق مکانیسم‌های دیجیتال دشوار باشد. دولت‌ها همچنین می‌توانند کاهش هزینه‌های آموزش، بهداشت و درمان، یا حمل‌ونقل عمومی را در صورتی که این کاهش کمک‌کننده به گروه‌های هدف باشد و به طور مؤثر اجرا شوند، در نظر بگیرند. تمام این اقدامات حاکی از آن است که کشورهایی که چترهای حمایت اجتماعی ضعیفی دارند، باید برای دستیابی به گروه‌های هدف به اقدامات ترکیبی متوسل شوند.

کشورهایی که یارانه انرژی یا مواد غذایی دارند، باید انتقال قیمت‌های بین‌المللی به قیمت‌های خرده‌فروشی را به تدریج اعمال نمایند و در عین حال متعهد به حذف یارانه‌ها در میان‌مدت شوند. سرعت انتقال قیمت‌ها باید به دقت بر اساس شکاف میان قیمت‌های خرده‌فروشی و بین‌المللی، فضای مالی موجود، و توانایی به‌کارگیری اقدامات در جهت کاهش تأثیر بر خانوارهای آسیب‌پذیر تنظیم شود.^۲

- سوخت‌ها. کشورهای دارای یارانه سوخت می‌توانند مسیرهای متفاوت تعدیل قیمت‌های داخلی را بنا بر وزن نسبی هر سوخت در سبد مصرف گروه‌های درآمدی متفاوت، در نظر بگیرند. به عنوان مثال، در برخی از کشورها، گاز مایع و نفت سفید برای خانوارهای کم‌درآمد اهمیت بیشتری دارند، زیرا از آن‌ها در پخت‌وپز یا گرمایش استفاده

۱ جنتیلینی و دیگران (۲۰۲۲) اطلاعات دقیقی را در خصوص اقدامات حفاظت اجتماعی اتخاذ شده در واکنش به COVID-19 ارائه می‌دهند.

۲ چنین اصلاحاتی می‌توانند متکی بر یک طرح اصلاحی جامع باشند. یک استراتژی ارتباطات گسترده؛ افزایش قیمت انرژی با فزاینده مناسب، به شکلی که هر فاز نتیجه متفاوتی در محصولات انرژی داشته باشد؛ اقدامات کاهش‌دهنده؛ بهبود کارایی شرکت‌های دولتی؛ و سیاست‌زدایی از قیمت‌گذاری انرژی (به کلمنتز و دیگران ۲۰۱۳ مراجعه کنید).

می‌شود و از این رو می‌توانند مسیر تعدیل آهسته‌تری را نسبت به قیمت‌های بنزین و گازوئیل داشته باشند. پس از افزایش قیمت داخلی مطابق با قیمت بین‌المللی، کشورها می‌توانند یک مکانیسم خودکار برای قیمت‌گذاری نرم انرژی را به کار بگیرند، که از تعدیل‌های شدید قیمت‌های سوخت برای رسیدن به قیمت آزاد شده جلوگیری کند. گسترش یارانه‌های سوخت نیز می‌تواند برای امنیت سوخت خطرآفرین باشد، چرا که جبران ناقص [افزایش هزینه] تامین‌کنندگان سوخت اغلب با کمبود عرضه همراه است.^۱

• خدمات شهری. کشورهای با یارانه آب و برق می‌توانند به تدریج قیمت‌ها را مطابق با تغییرات هزینه‌ها تعدیل کنند. برای کاهش تأثیر قیمت‌های بالاتر، می‌توان برخی از اقدامات موقت نظیر تخفیف‌های مقطوع قبوض را در نظر گرفت. علاوه بر این، تسویه قبوض انرژی در طول سال می‌تواند به خانوارها کمک کند تا در ماه‌هایی که نیاز به انرژی برای گرمایش یا سرمایش بیشتر است، از معوقات جلوگیری شود. در حالی که «تعرفه‌های خطرزدگی» همچنان به نقش آفرینی خود در کاهش تأثیر افزایش قیمت‌ها بر خانوارهای کم‌درآمد ادامه می‌دهند، ممکن است نیازمند طراحی مجدد باشند تا از نظر مالی نیز مقرون به صرفه باشند.^۲ علاوه بر این، تعرفه‌های خطرزدگی معمولاً به دلایل زیر نسبت به سایر اقدامات جایگزین (مانند تخفیف‌های مقطوع) درجه دوم محسوب می‌شوند: سطح مصرف خانوارهای فقیر همیشه پایین‌تر نیست^۳؛ این اقدام میانگین تعرفه‌ها را برای خدمات شهری کاهش می‌دهد و موجب تحریف قیمت‌ها می‌شود؛ و دیگر اینکه خانوارهای فقیری که به شبکه برق دسترسی ندارند، احتمالاً از آن سودی نمی‌برند.

• غذا. در کشورهایی که یارانه‌های غذایی دارند، می‌توان قیمت‌های سهمیه‌بندی شده مواد غذایی را به تدریج افزایش داد. هدفمندی برنامه‌های موجود می‌تواند به منظور کاهش نشت‌یابی به گروه‌های با درآمد بالا، و کاهش در زنجیره عرضه ارتقا یابد. این موضوع می‌تواند بار مالی یارانه‌های غذایی را کاهش دهد و در عین حال آسیب‌پذیرترین اقشار بهره‌مند از یارانه‌های غذایی را تحت تأثیر قرار ندهد. امنیت غذایی می‌باید در چارچوب بودجه موجود اولویت‌بندی شود. اگر امنیت غذایی یک نگرانی است و تمام راهکارهای مطرح شده ناکارآمد شده‌اند، دولت‌ها می‌توانند اقدامات موقت دیگری نظیر ارائه قیمت‌های یارانه‌ای یا کاهش مالیات مصرف/واردات (با بندهای مشخص انقضا)

۱ این امر در کشورهایی رایج است که فضای مالی محدودی دارند و دولت ناتوان از جبران افزایش هزینه‌های تامین‌کنندگان سوخت است، که این موضوع خود منجر به معوقات و کمبود عرضه می‌شود.

۲ تعرفه‌های خط زندگی مکانیسم‌هایی برای تعیین تعرفه هستند که تضمین می‌کنند مصرف‌کنندگان کوچک (به عنوان معیاری برای تشخیص خانوارهای فقیر) کمتر از هزینه کامل انرژی را پرداخت کنند. تعرفه‌های خط زندگی در گذشته بسیار محبوب بوده‌اند، اما در اجرای این تعرفه‌ها تجربه‌های متفاوتی به دست آمده و پایداری آن‌ها زیر سوال رفته است (روگری لادرچی و دیگران ۲۰۱۳).

3 Komives and others (2005)

برای مواد غذایی اساسی را لحاظ نمایند. همچنین باید تلاش کرد تا با حمایت از تولید و پرهیز از احتکار^۱ ذخایر غذایی^۲ و اولویت بخشیدن به مصرف انسانی بر سایر مصارف محصولات غذایی، عرضه غذا را افزایش داد.

کاهش مالیات بر کالاهای گران شده، صرفاً به عنوان آخرین راه حل

به طور کلی، کاهش مالیات بر انرژی و مواد غذایی توصیه نمی‌شود. با توجه به رواج مالیات بر ارزش کالاها و خدمات (از قبیل مالیات بر ارزش افزوده یا مالیات غیرمستقیم)، افزایش قیمت‌ها و کاهش قیمتی نسبتاً پایین تقاضا حاکی از آن است که در بسیاری از کشورها درآمدهای مالیاتی با افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی افزایش خواهند یافت. این درآمد مالیاتی افزوده می‌تواند برای حمایت هدفمند از خانوارهای آسیب‌پذیر مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، کاهش عمومی مالیات‌ها به معنای ارائه کمک به همه از جمله مرفه‌ترین خانوارها است و این امر منجر به از دست رفتن بخش قابل توجهی از درآمدها در زمانی می‌شود که بیش از همیشه به آن‌ها نیاز است.^۳ در خصوص مالیات بر سوخت (همچون مالیات غیرمستقیم) چندین نکته دیگر نیز وجود دارد. اثرات جانبی مالیات غیرمستقیم بر سوخت، در زمینه کاهش تغییرات آب و هوایی همچنان معتبر هستند، بنابراین مالیات‌های بالاتر برای سوخت همچنان ضروری است. حتی در صورت عدم کاهش صریح مالیات، زمانی که قیمت قبل از مالیات کالا افزایش یابد، مالیات غیرمستقیم آن نیز به عنوان سهمی از قیمت مصرف‌کننده کاهش می‌یابد. فارغ از ملاحظات زیست محیطی، ممکن است با کاهش مالیات بر قیمت معادل و در عین حال افزایش مالیات خاص، امکان ایجاد تعادل مجدد وجود داشته باشد. در کشورهایی که چترهای حمایت اجتماعی ضعیفی دارند و بسط و توسعه برنامه‌های فعلی محافظت کافی [از اقشار آسیب‌پذیر] را ایجاد نمی‌کنند و به‌ویژه نگرانی‌های مربوط به امنیت غذایی شدید است، دولت‌ها می‌توانند کاهش موقت مالیات بر غذاهای اساسی را، با بندهای مشخص انقضا در نظر بگیرند. در این شرایط ترجیح بر کاهش تعرفه واردات کالاهای ضروری است که اختلال کمتری نیز ایجاد می‌کند.

مالیات ثابت بر سود مازاد که مانع رانتهای اقتصادی می‌شود، به اضافه مالیات‌های موقتی بر سودهای بادآورده ترجیح داده می‌شود. افزایش قیمت انرژی و سود برخی از شرکت‌های انرژی منجر به درخواست‌های مجدد برای اعمال مالیات بر سودهای بادآورده شده است. با این حال، چنین مالیات‌هایی می‌توانند سرمایه‌گذاری‌ها را

۱ برای مثال در صورت لزوم، می‌توان با محدود کردن موقت مقدار کالاهای خریداری شده توسط یک فرد، از احتکار جلوگیری کرد.
 ۲ سهام عمومی می‌تواند در کنار یک استراتژی غیرسهامی گسترده‌تر، نقش محدود اما مهمی در امنیت غذایی ایفا کند. سهام‌های عمومی دو هدف اصلی دارند: تثبیت قیمت‌های داخلی و تسهیل دسترسی اقشار آسیب‌پذیر به غذای اضطراری. هدف تثبیت قیمت ممکن است ناکارآمد باشد و منجر به هزینه‌های بالای بودجه‌ای گردد. مداخله در امنیت غذایی در کوتاه مدت موثرتر است، به ویژه هنگام گذر از زمان مورد نیاز برای واردات مواد غذایی و هدفمندسازی حمایت از افراد آسیب‌پذیر در زمان شوک‌های بازار. اصول راهنما در مورد ذخیره مواد غذایی شامل این موارد هستند: شفافیت و پاسخگویی؛ محدودیت مقدار (برای جلوگیری از ایجاد موقعیت غالب در بازار)؛ شامل شدن غلات (ترجیحاً ذخایر تولید محلی)؛ و انواع غذای دارای محدودیت برای تسهیل مدیریت (به بانک جهانی ۲۰۱۲ مراجعه کنید).

۳ مالیات بر سوخت برای بسیاری از کشورها منبع درآمد قابل توجهی است.

تضعیف کنند و بنابراین نتیجه معکوس داشته باشند.^۱ در عوض، مالیات بر سود مازاد (رانت اقتصادی بیش از بازدهی که برای سرمایه‌گذاران ضروری است) ترجیح داده می‌شود.^۲ مالیات بر سود مازاد، با سهم گرفتن از کسب‌وکارهایی که در طول بحران رونق می‌گیرند، به جای آن دسته از شرکت‌ها (و کارگزارانشان) که به شدت آسیب می‌بینند و سودهای معمولی به دست می‌آورند یا حتی متحمل ضرر می‌شوند، از انسجام اجتماعی حمایت می‌کند. چنین مالیات‌هایی می‌توانند به منبع درآمد قابل توجهی تبدیل شوند و در عین حال اختلال اندکی ایجاد نمایند.

سه‌میه‌بندی را به شکل کارآمدی مدیریت کنید

در موارد شدید، کشورها می‌توانند از کنترل‌های کمی در ترکیب با مکانیسم‌های قیمت استفاده کنند. اگر قیمت‌ها خیلی بالا باشند و نگرانی‌هایی را در خصوص امنیت غذایی یا دسترسی به انرژی ایجاد کنند، سه‌میه‌بندی می‌تواند یک راهکار محسوب شود. سه‌میه‌بندی مواد غذایی را می‌توان از طریق فروشگاه‌های مختص سه‌میه‌بندی (مانند سیستم توزیع عمومی که در هند وجود دارد)^۳، کوپن‌ها، یا توزیع مستقیم غذا به اجرا درآورد. با توجه به سه‌میه‌بندی انرژی، حفظ سیگنال‌های قیمت برای واکنش به تقاضا و ارائه اهداف روشن به مردم از طریق یک کمپین ارتباطی، حائز اهمیت است. به عنوان مثال، در اوایل دهه ۲۰۰۰، برزیل از طریق سیگنال‌های قیمتی یک سیستم سه‌میه‌بندی کارآمد را طراحی کرد و به کاهش بیش از ۲۰ درصدی مصرف در یک سال دست یافت.^۴ اجرای سه‌میه‌بندی بدون قیمت کارایی کمتری دارد. پس از زلزله مارس ۲۰۱۱ و تعطیلی نیروگاه‌های هسته‌ای که به تبع آن رخ داد، ژاپن برای شرکت‌ها اهداف مصرفی تعیین کرد و تقاضا برای دستگاه‌های تهویه هوا را کاهش داد. تقاضای برق ۱۵ درصد کاهش یافت.^۵ خاموشی فقط باید به عنوان آخرین راه‌حل مورد استفاده قرار گیرد. اگرچه پیاده‌سازی آن آسان است، اما چنین شکل بی‌حساب‌و‌کتابی از سه‌میه‌بندی، که میان کاربران ضروری و غیرضروری تمایزی قائل نمی‌شود، منجر به زیان‌های بزرگ‌تر اقتصادی می‌گردد.^۶

تقویت همکاری‌های بین‌المللی

همکاری بین‌المللی برای تضمین عرضه کافی و مقرون به صرفه انرژی و غذا در بازار جهانی کلیدی است. کشورهای کم‌درآمد، که تورم مواد غذایی در آن‌ها در حال افزایش است، فضای مالی کمی برای واکنش موثر سیاستی دارند. کشورهای وابسته به واردات مواد غذایی از روسیه و اوکراین در کوتاه‌مدت آسیب‌پذیر هستند (مانند کشورهای

1 Baunsgaard and Vernon, در دست چاپ

2 Hebous and others, در دست چاپ

3 (see Gadenne 2018)

4 Maurer and others (2005)

5 Kimura and Nishio (2016)

6 Maurer and others (2005)

خاورمیانه و شمال آفریقا، آسیای مرکزی و آفریقای جنوب صحرا). ممکن است کشورهای آسیب‌پذیر به کمک‌های خارجی نیاز پیدا کنند که این نیاز احتمالاً شامل تامین مواد غذایی اضطراری، حمایت مالی و افزایش تولید محصولات کشاورزی و کود خواهد بود. علاوه بر این، برنامه اقدام دوحه که اخیراً به تصویب رسیده است، خواستار بررسی امکان‌سنجی یک سیستم ذخیره‌سازی برای کشورهای کمتر توسعه یافته به صورت منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای است. محدودیت‌های صادراتی که تاکنون توسط چندین کشور اعلام شده‌اند، می‌توانند برای امنیت غذایی جهانی مضر باشند و بر فشارهای قیمتی بیفزایند، به‌ویژه زمانی که از سوی کشورهای عمالی شوند که دارای سهم قابل توجهی از بازار جهانی هستند. تجربیات به دست آمده از اوج‌های قبلی قیمت مواد غذایی در سال‌های ۱۹۷۳ و ۲۰۰۸ نشان داده‌اند که موانع تجاری، به‌طور متوسط، تأثیری در تثبیت قیمت‌های داخلی ندارند، و در عین حال موجب افزایش قیمت‌های جهانی می‌شوند.^۱ ممنوعیت‌های صادراتی می‌توانند در بلندمدت برای کشورهای محدودکننده آسیب‌رسان نیز باشند، زیرا از انگیزه‌های تولید می‌کاهند و موجب تشویق قاچاق به کشورهای با قیمت‌های بالاتر می‌شوند.

تسریع در دستورکار آب‌وهوایی

این بحران فرصتی برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی بدون سوخت‌های فسیلی و دستیابی به سیستم‌های غذایی پایدار، فراگیر و کارآمدتر فراهم می‌کند. تنوع بخشی به منابع انرژی می‌تواند به تسریع گذار به اقتصاد سبز و تقویت امنیت انرژی کمک کند. کشورها باید به دنبال افزایش سرمایه‌گذاری در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی خود به سوخت‌های فسیلی باشند. با این حال، در کوتاه مدت، از آنجایی که اقتصادها با کمبود عرضه دست و پنجه نرم می‌کنند، ممکن است به دیگر منابع عرضه انرژی تجدیدناپذیر، از جمله گسترش بازارهای گاز طبیعی مایع، و افزایش تولید نفت و گاز شیل نیاز باشد. این کار باید به گونه‌ای صورت گیرد که با اهداف تغییرات اقلیمی سازگار باشد و از سرمایه‌گذاری بر روی پروژه‌های سوخت فسیلی طولانی مدت و سرمایه‌بر اجتناب شود. می‌توان در این مورد اندیشید که آیا انگیزه بیش از اندازه‌ای برای استفاده از ذرت در تولید سوخت‌های زیستی به جای تامین غذا در کار نیست؟^۲ دولت‌ها همچنین باید اقداماتی را برای افزایش بهره‌وری انرژی، از طریق تشویق به تنظیم ترموستات و شتاب‌بخشی به بهبود بهره‌وری انرژی ترویج دهند. علاوه بر این، دولت‌ها باید انگیزه تغییر به سمت تولید و مصرف مواد غذایی مسئولانه‌تر از نظر زیست محیطی و اجتماعی را ایجاد کنند.

۱ برای مثال بنگرید به: Martin and Anderson (2011)



سیاست مالی در راستای کاهش تأثیر اجتماعی قیمت‌های بالای انرژی و مواد غذایی

نویسندگان: دیوید آماگلوبلی، امینه هاندار، گی هی هونگ و سلین تیونوت

مترجم: آرش گیاهچی

مجموعه رفاه و سیاست اجتماعی - ۱۶

کد گزارش: ۱۸۸ - شماره مسلسل: ۱۴۰۱۰۲

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

